

یک نوازش دو سپاس

اشاره:

استاد محمدعلی معلم با شعری زیبا مصححان و محققان گنجینه بهارستان را مورد نوازش قرار داده‌اند و آقایان احسان الله شکراللهی و سید محمد علی احمدی ابهری ریاست محترم کتابخانه هر یک با شعری جداگانه ایشان را سپاس گفته‌اند:

چیست گنجینه بهارستان سره‌کاری شگرف و کارستان کار اگر از دها و دین خیزد طرفه گنجی شود بنامیزد طرفه گنجی چو گنج باد آورد بلکه گنجی که دین و داد آورد راست گنجینه روان این است حربه جنگ با بدان این است گیتی گفته بحر اگر برک است ترشرو پروری پر از سرک است همچو کندو خزینه‌ای چند است کز عسل کان شکر و قند است در خم از خوانچه‌ها شکر کردن چیست، دست و داد بر کردن همچو آن «احمدی» که «ابهری» است در رسالت رسیل حائری است و آن دو آئینه سلیمانی شمع و گل «اوجبی» و «ایمانی» نخلبندان حیرت انگیزی خواجه رسته شکرریزی یا رب از عافیت چو گنجوران برخوردارند از دعای رنجوران سینه‌شان باد آب و آئینه تابناک از شعاع گنجینه در خبر است که گنجینه‌های زمین در آخر الزمان آشکار شود. این چند بیت که ارتجالاً سروده شده است، آفرین گنجوران گنجینه بهارستان است. جناب احمدی ابهری که رسیل استاد حائری است و عزیزان اوجبی و ایمانی که سعیشان مشکور باد.

محمدعلی معلم

سی و یکم خرداد هزار و سیصد و هشتاد

گشت واصل به بخش گنجینه دستخطی ز شعر و نقشینه خط استاد بی بدیل ادب آن معلم نه، اوستاد طلب یل میدان و عرصه فرهنگ آنکه چون موم واژه‌اش در چنگ آفرین گفت و گفته‌اش جاندار گشت زان گفته جانمان سرشار آفرین چو او سرافرازی هست سرمایه سر اندازی شور و امید سینه را پر کرد نفسمان لحظه‌ای تبختر کرد زانکه هر کار در نخستین گام هست بی نام و بی نشانه و خام خسته خار خار خود بودیم تشنه نقد کار خود بودیم خط بطلان به ترس ما زده شد روح زی راحت و رضا یله شد کار اگر چند اسوه تنسیق پر درش میدهد در تشویق ارجمندا سپاس می‌داریم ما ز گنجینه پاس می‌داریم احسان الله شکراللهی سیزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد

تقدیم به استاد فرزانه علی معلم نغز شعری تمین و دردانه هم ادیبانه هم صمیمانه بهر تکریم کار دانشیان جمع «گنجینه بهارستان» صبحدم باد بوستان پرورد از معلم به دوستان آورد گشت واصل به جمع و جان بخشید عاشقان را بسی توان بخشید خواستم از سر سپاس و سرور پاسخی هدیه‌اش کنم چون مور لیک دیدم کتب یار دانایی کرده انشاد شعر زیبایی نیست حاجت به شعر همچون من نزد آن خوش سخن هزار چمن جز تواضع نیاید از ما هیچ گفت رندی به گرد هیچ مپیچ واجب آمد بدین نمط تقدیر زین عنایت که داشت بس تأثیر بر تلاش و توان ما افزود آن سخن کز صفای باطن بود نشر آن تحفه‌ای به سرمستان در «پیام» خوش «بهارستان» تا شود چشم دوستان روشن زین محبت ز اوستاد سخن مسئلت دارد ابهری ز رفیق بهر استاد و همگان توفیق محمدعلی احمدی ابهری

نگارگری استاد کمال الملک

انگیزش تأسیس موزه مجلس

کیوان شیروانی - داود نظریان

محمد غفاری مشهور به کمال‌الملک فرزند آقا میرزا بزرگ غفاری کاشانی (میرزا رضاخان غفاری) یکی از بزرگترین نقاشان نامی اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی است.

محمد در سال ۱۲۶۴ ه.ق ۱۲۲۴ ه.ش در کاشان (و بنا به روایتی در ۱۲۷۰ ه.ق در تهران) متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در کاشان در سن دوازده سالگی به تهران آمد. از آن جا که پدرش میرزا بزرگ و عمویش صنیع‌الملک در دربار ناصرالدین شاه منصب و مقام داشتند، به مدرسه دارالفنون که مختص فرزندان دربار بود، راه یافت. پس از چند سال، آن چنان استعدادی از خود بروز داد که آوازه‌اش به گوش شاه رسید و ناصرالدین شاه پس از بازدید که از دارالفنون داشت و با مشاهده کارهای او دستور داد که در کاخ گلستان عمارت بادگیر اتاقی به او اختصاص دهند. او در این دوران هفتاد اثر خلق کرد که متأسفانه از بیشتر آنها اطلاعی در دست نیست، اما در میان نقاشی‌های موجود، تابلوی معروف تالار آئینه از همه مشهورتر است. انجام این اثر مدت هفت سال به طول انجامید. به سبب توانایی و قدرتی که این نقاش بزرگ از خود نشان داد، شاه او را میرزا محمد خطاب می‌کرد و القاب ویژه‌ای نظیر نقاش‌باشی حضور همایونی پیشخدمت مخصوص، سرتیپ، ریاست سواره نظام ایالت قزوین به او بخشید. و سرانجام در سال ۱۳۱۱ قمری بنا به درخواست میرزا علی‌اصغر خان اتابک صدراعظم و به فرمان ناصرالدین شاه، لقب کمال‌الملک یافت. ناصرالدین شاه که علاقه وافری به نقاشی داشت، گاه و بیگاه که اراده می‌کرد نزد وی به فراگیری فنون نقاشی می‌پرداخت. پس از قتل ناصرالدین شاه به دربار مظفرالدین شاه راه یافت. بنابر روایتی، در سال ۱۳۱۳ قمری (۱۲۷۳ ش) سه ماه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و بنا به روایتی دیگر، در سال ۱۳۱۵ قمری، کمال‌الملک به منظور مطالعه و تکمیل هنر خود به اروپا رفت. این سفر که در حدود پنج سال به طول انجامید، کمال‌الملک را با دنیای نوینی از هنر آشنا نمود و در خلال دیدار از موزه‌ها و اماکن هنری کشورهای آلمان، فرانسه، اتریش و ایتالیا و شهرهای پاریس، مونیخ و رم، با نقاشان هم عصر خود نظیر فانتن

فراوان و تحمل سختی‌ها، حقوق خودش را نیز صرف هزینه‌ها و تشویق شاگردانش می‌کرد. پس از احمدشاه، در زمان وزارت جنگی و ریاست وزرایی و آغاز سلطنت رضا شاه، کمال‌الملک مورد توجه و احترام او قرار گرفت به طوری که صنایع مستظرفه را سه بار مورد بازدید قرار داده و برای رفع مشکلات آن اقداماتی انجام داد. از طرفی رضاخان سعی داشت که تعدادی از آثار برجسته کمال‌الملک را تصاحب کند و سفارشات نیز برای ساختن پرتره خود و مجسمه ولیعهدش به او می‌داد.



باتصویب مجلس و زیر نظر حکیم‌الملک به نام مدرسه صنایع مستظرفه تابعه وزارت معارف تاسیس گردید. این مدرسه بعدها به مدرسه کمال‌الملک مشهور شد. کمال‌الملک در این مدرسه تنها به رشته نقاشی اکتفا ننمود و در آموزشگاه خود، فنون منبت‌کاری، موزائیک‌سازی، قالی بافی (کوبلن) و مجسمه‌سازی را وارد نمود و به این ترتیب به سایر رشته‌های هنرهای زیبا که رو به زوال و نیستی نهاده بود، حیاتی نو بخشید. این مدرسه به ریاست کمال‌الملک، شانزده سال دوام یافت و پایه گذار نقاشی کلاسیک در ایران گردید.

کمال‌الملک تا پایان ریاست مدرسه صنایع مستظرفه، آثار بنامی ساخت، از جمله آنها: تابلوی پرتره از سردار علی قلی خان اسعد بختیاری، پرتره صنایع‌الدوله، محمد حسین فروغی، دو پرتره از خود نقاش، طبیعت بی جان و چهار منظره که بسیار دقیق و جالب توجه می‌باشند.

استاد کمال‌الملک به کمک مدرسه صنایع مستظرفه توانست در رشته‌های مختلف هنری استادان صاحب نامی به جامعه هنر تحویل نماید. که نام آورترین آنها عبارتند از: علی محمد حیدریان، اسماعیل آشتیانی، حسین شیخ، محمود اولیاء، علی محمودی، هادی تجویدی، علی رخساز در نقاشی، ابوالحسن صدیقی رفیع حالتی در مجسمه‌سازی، جمشید امینی علی محمودی در قالی بافی (کوبلن)، علی رخساز در موزائیک‌سازی.

از دیگر شاگردان استاد که با واسطه یا مستقیماً زیر نظر استاد کار کردند می‌توان به حسین علی خان وزیر، علی اکبر یاسمی، نعمت‌الله مشیری، محسن سهیلی، شهابی، رفیع حالتی، اسکندر مستغنی، علی اکبر نجم آبادی، شوکت‌الملوک شقاقی، محسن مقدم، مصطفی نجمی و دهها نفر دیگر اشاره نمود. کمال‌الملک در دوران سخت سلطنت احمد شاه که مدرسه‌اش مانند تمام سازمان‌های اداری با مشکلات و ضعف مالی فراوانی روبه‌رو بود، با حوصله و صبر

لاتور و گردیجان فرانسوی و با سبک‌ها و فنون نقاشی متداول در اروپا از نزدیک آشنا گردید. با دنیای جدیدی که در برابر دیدگان مشتاق او به وجود آمده بود، دامنه امکانات هنرش از هر سو گسترش یافت. در این مسافرت، کمال‌الملک با دقت و امانت بسیار از روی آثار بزرگان نقاشی در اروپا، نظیر کارهایی از رامبراند هلندی، روبنس فلاندری، بن زور آلمانی و تیسین ایتالیایی نسخه‌برداری کرد. به گفته اسماعیل آشتیانی، در مدت سه سالی که استاد در اروپا از موزه‌های نظیر لوور و ورسای دیدن نمود، توانست تعداد دوازده تابلو از روی کارهای اروپایی تهیه نماید. کمال‌الملک در سال ۱۳۱۸ بنا به دعوت مظفرالدین شاه و به امید دگرگونی و تغییرات اساسی در میهن و بهره‌گیری از اندیشه، افکار و هنر پرورش یافته‌اش در راه اصلاحات اساسی، به ایران بازگشت. و سال بعد به دریافت نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل سبز رنگ نایل شد.

در سال ۱۳۲۱ ه.ق به سبب نابسامانی و ناامیلات موجود در دربار مجدداً راه سفر در پیش گرفت و این بار به بین‌النهرین و عتبات عالیات سفر کرد و مدت دو سال در آن جا به سر برد. تابلوهای فالگیر یهودی‌های بغداد، زرگر بغدادی و شاگردش، میدان کربلا و عرب خوابیده، یادگارهای این سفر می‌باشند. اگر چه مظفرالدین شاه توانست با اصرار زیاد کمال‌الملک را به بازگشت به وطن ترغیب و راضی نماید، لکن ایشان به بهانه رعشه دست از اطاعت اوامر شاه و درباریان در ساخت تابلو و نقاشی تصاویر آنها سرباز زد و چون مراجعت او مصادف با انقلابات مشروطیت در ایران بود، در این نهضت شرکت نموده و مقالاتی در جراید انتشار داد.

در سال ۱۳۲۹ ه.ق (۱۲۸۹) مدرسه‌ای به همت و ابتکار کمال‌الملک و همیاری دوستان و یاران متنفذ ایشان همچون ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، علی قلی خان سردار اسعد، که در جنبش مشروطه لقب فاتح تهران را گرفته بود،

● استاد در سال ۱۳۰۶ به دلیل دخالت‌ها و مخالفت‌های وزرای معارف وقت به نام سلیمان میرزا و سید محمد تدین در کار مدرسه از ریاست مدرسه صنایع مستظرفه استعفا داد و یک سال پس از آن به ملک شخصی خود در حسین آباد نیشابور، که با پول حاصل از فروش دوازده تابلو از آثار خویش به مجلس شورا خریداری کرده بود، رفت و تا آخر عمر در آن جا به سر برد. در این ایام ارباب کیخسرو شاهرخ مباشر مجلس شورا به تشویق اسماعیل آشتیانی و به سبب ارادتی که به استاد داشت، به فکر افتاد که تابلوهای او را برای مجلس خریداری نموده و در آن جا موزه‌ای به نام موزه کمال‌الملک ایجاد نماید. بر این اساس، تابلوی سردار اسعد را به مبلغ پانصد تومان در ۱۳۱۰ش و دوازده قطعه دیگر را در سال ۱۳۱۳ به بهای شش هزار تومان خریداری نمود که به تهران حمل و در کتابخانه مجلس نصب گردیدند و آن مرحوم تابلوی رمال خود را نیز به طور یادگار به ارباب کیخسرو هدیه نمود. در خرداد ۱۳۱۸ ابراهیم شریفی رئیس کتابخانه مجلس به حسین آباد رفت و چهار قطعه از تابلوهای استاد را به تهران حمل و ضمیمه سایر تابلوهای مجلس نمود و سرانجام دفتر زندگانی استاد کمال‌الملک در پی کسالتی که به سبب کهولت سن پیش آمده بود، در روز یکشنبه بیست‌وهفتم مرداد ماه سال ۱۳۱۹ خورشیدی ساعت دو بعد از ظهر در سن ۹۵ سالگی بسته شد و پس از عمری تلاش، روح سرشار از عشق او به ایران و هنر ایران زمین به ملکوت پیوست و در کنار مقبره شیخ فریدالدین عطار نیشابوری شاعر و عارف قرن ششم و هفتم هجری به خاک سپرده شد.

منابع و ماخذ

۱. کمال‌الملک، حسین کاشیان، وزارت ارشاد اسلامی موزه هنرهای معاصر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲.
۲. کمال‌الملک، حسنعلی وزیر، انتشارات هیرمند و هنر و فرهنگ، تهران، چاپ دوم بهار ۱۳۶۲، ص ۱۰۳.
۳. کمال هنر، احمد سهیلی خوانساری، انتشارات محمدعلی علمی و سروش، تهران، چاپ اول ۱۳۶۸، ص ۵.
۴. یادنامه کمال‌الملک، بهنام داراب شهابنگ و علی دهباشی، نشر چکامه، تهران چاپ اول تابستان ۱۳۶۶، ص ۱۷۷.
۵. نامه‌های کمال‌الملک، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، ۱۳۶۶، تهران، انتشارات بزرگمهر.
۶. تاریخ هنر، جانسن هورست ولدمار، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۳۱۵. دلیل الجنان و رکن الایمان فی وقایع الجمل و الصغین ۲۰ و النهروان.

۱. لازم به ذکر است که در شماره ۴ پیام بهارستان در صفحه یادبود (صفحه ۱۳) مقاله‌ای به عنوان «محمود اولیاء، یادگاری از صنایع مستظرفه» به قلم آقای داود نظریان نگاشته شد که متأسفانه نام ایشان در صدر مقاله ذکر نشده بود، بدین وسیله از ایشان پوزش می‌خواهیم.
 ۲. بنا به قول دکتر غنی سال تولد کمال‌الملک به درستی معلوم نیست.
 ۳. پدر کمال‌الملک، میرزا بزرگ در تصویر و دورنما سازی استاد بود و در دارالطباعة دولتی به این کار اشتغال داشت و عموی او میرزا ابوالحسن صنایع‌الملک نقاش باشی مخصوص دربار ناصرالدین شاه بود.
 ۴. قسمتی از کشور بلژیک.